

فاطمه قاسم آبادی روزنامه‌نگار از سال‌ها پیش واگر بخوایم دقیق تر بگوییم، از همان روزی که به صورت جدی وارد صنعت فیلم‌سازی شد، توانست نظر مخاطبان را به خود جلب کند، البته در ابتدا آمریکا به‌عنوان مرکز قوی فیلم‌سازی در جهان، با کمپانی قدرتمندی چون والت دیزنی جزء پیشگامان تولید انیمیشن در دنیا بود ولی دقیقاً کمی بعد از پایان جنگ جهانی دوم، ژاپن نیز به سمت ساخت انیمیشن رفت و در مدت کوتاهی موفق شد گویِ سمیت را از آمریکا و دیگر کشورهای فعال غربی در زمینه انیمیشن‌سازی برپاید و پس از چند دهه در جایگاه نخست انیمیشن‌سازی سریالی در جهان بایستد.

تا امروز انیمیشن‌های خاص و پر مخاطب، چه در ژانر فیلم و چه سریال متعلق به ژاپن است. این انیمیشن‌ها که معمولاً موضوعات خاص و متفاوتی دارند، توانسته‌اند نظر مخاطبان زیادی را در سراسر دنیا به خود جلب کنند.

در گذشته انیمیشن‌های سریالی ژاپنی برای مخاطب ایرانی، با نام‌هایی مثل پچه‌های آلپ، باخانمان، خانواده دکتر ارنست و... شناخته می‌شد که بیشترشان، موضوعاتی خانوادگی و تمی آرام داشتند ولی در سال‌های اخیر و به‌خصوص ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته موضوعات انیمیشن‌های سریالی ژاپنی، تغییرات محتوایی زیادی کرده است و علاوه بر چشمان درشت رنگی شخصیت‌ها، تفکرات غربی هم در آنها پر رنگ‌تر شده، البته در داستان انیمیشن‌های جدید ژاپنی، همیشه مخاطب بین غرب‌گرایی و برخی خرافات شرقی گرفتار می‌شود ولی سازندگان با پرداخت‌های خوب و درنظر گرفتن وجهه‌های مشترک انسانی، در نهایت محصولی را به خورد مخاطب خود می‌دهند که تمام مخاطبان را راضی کند چراکه هر کدام از این مخاطبان می‌توانند قسمتی از وجود خود را در شخصیت‌های این انیمیشن‌ها ببینند.

انیمیشن‌های محبوب سریالی ژاپنی که اغلب موضوعاتی فراطبیعی دارند، با آمیختن موضوعات شیطانی و ترکیه پر غالب بودن ذات پلید انسان‌ها بر ذات نیک‌شان، توانسته‌اند فراتر از موضوعات معمول انیمیشن‌ها بروند و دیگر ابد آنها متعلق به ژانر کودک و نوجوان نباشد، هر چند متأسفانه نوجوانان از این انیمیشن‌ها به خاطر حضور هم‌سن‌وسالان خود در بین شخصیت‌ها، استقبال می‌کنند و خود را به جای قهرمان پوشالی‌شان می‌گذارند.

در سال‌های اخیر، ژاپن برای اینکه از بازار فروش جهانی عقب‌نماند علاوه بر ساخت انیمیشن‌های سریالی، اقدام به ساخت فیلم‌هایی برگرفته از شخصیت‌های انیمیشن‌های سریال‌های محبوبش گرفته است و با این کار سودی چند برابر را به دست آورده است. ما در این مقاله سعی داریم تا چند انیمیشن سریالی معروف را که در ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر مورد توجه قرار گرفته و نسخه‌های سینمایی از روی‌شان ساخته شده‌اند بررسی کنیم.

دکتر مرگ

دکتر مرگ (Desu Nōto) یا (DEATH NOTE) نام یک مجموعه مانگا ژاپنی نوشته «تسوگومی اوبا» با طراحی «تاکشی اوباتا» است. با اقتباس از این مانگا، انیمیشنی سریالی با همین نام در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ به کارگردانی «تسورو آرکی» ساخته شده است. داستان انیمیشن دکتر مرگ، درمورد پسر ۱۷ ساله‌ای است به نام «لایت یامگی» که شاگرد اول دبیرستان‌شان است و در ظاهر زندگی خوبی دارد ولی در باطن این پسر از روزمرگی زندگی خود خسته و دلزده شده است.

روزی دفتری از آسمان روی زمین می‌افتد، این دفتر که دفتری معمولی نیست درواقع متعلق به یک ششینگامی یا همان خدای مرگ در داستان‌های ژاپنی است. صاحب اصلی دفتر که «ریوک» نام دارد این دفتر را روی زمین می‌اندازد و ارضا لایت آن را پیدا می‌کند وبا خواندن قوانین آن، متوجه می‌شود که این دفتر، دفتر مرگ است و صاحبش حتی این توانایی را دارد که نحوه مرگ فرد را مشخص کند و همچنین ۴۸ ساعت پیش از مرگ فردی که نامش را در دفتر نوشته، کنترل کند و در اختیار بگیرد... پس از این اتفاق، لایت با نوشتن اسامی خلافکاران و قاتلان از سایت پلیس، -که پدر پلیسش به‌ان دستبرد می‌دارد- شروع به کشتن خلافکاران می‌کند.

در این حال مردم شهر به او لقب کیرا یا (قاتل) می‌دهند.

پس از این لایت (کیرا)، برای پاک کردن پلیدی از دنیا و ساختن آرام‌شهر و حکمرانی بر دنیای جدید، دست به کشتن انسان‌های فاسد به وسیله نوشتن اسم‌شان در دفتر مرگ می‌زند و خودش را «ال» یا هوش‌تر از این است که باور کند و به خاطر همین له لایت تصمیم می‌گیرد هر طور شده ال را از بین ببرد...

دفتر مرگ، انیمیشن سریالی خاصی است و با وجود اینکه تنها در یک فصل ساخته شد و ادامه‌ای برای آن درنظر گرفته نشد، توانست تمام حرفی را که می‌خواهد به مخاطب خود بزند، در این



انیمیشن مخاطب با نوجوانی روبه‌روست که بسیار جاه‌طلب است و از روزمرگی زندگی‌اش دلزده و خسته شده و فکر می‌کند تا روزی که زنده است به زندگی بی‌هیجان محکوم است ولی با پیدا کردن دفتر مرگ سرزنشش عوض می‌شود...

در دفتر مرگ، نویسنده توانسته با آمیختن خرافات قدیمی ژاپنی چون وجود خدایان مرگ با داستانی فانتزی مثل در اختیار گذاشتن دفتر مرگ به نوجوانی جاه‌طلب، درواقع یکی از اصول اساسی شیطان پرستان را که انسان گرایی محض است، به تصویر بکشد؛ در این تفکر، انسان و اراده‌اش بالاتر از هر قانون یا تفکری است و صدا البته که وجود انسان در این تفکر شرک‌آمیز، به‌نوعی خدا به حساب می‌آید که به سمت پلیدی و زشتی میل دارد تا خوبی و نیکی. در دفتر مرگ، نویسنده با شخصیت‌پردازی‌های قدرتمند و داستانی جدید، مخاطب خود را در ابتدا به چالش می‌کشد و این سوال را برایش به وجود می‌آورد که اگر او جای لایت بود چه کار می‌کرد؟ ولی در روند داستان رفته‌رفته از لایت به‌عنوان نماد انسان قابل قبول جامعه، چنان تصویر هولناکی می‌سازد که گویی از اساس این

شخصیت هرگز ذره‌ای خوبی در وجودش نداشته است.

در دفتر مرگ، تمام نکاتی که برای جذاب کردن یک داستان وجود دارد، کنار هم قرار گرفته‌اند، داستانی پرکشش، جنایی و معمایی به همراه رقابت سخت بین کارآگاه‌هان باهوش و لایت برای شکار یکدیگر، همه این عناصر در کنار هم جمع شده‌اند تا مخاطب را دنبال روایت خود بکشانند و پله‌پله با داستان و سقوط لایت همراه کنند.

همه چیز در دفتر مرگ حساب شده پیش می‌رود، از داستان و طراحی چهره‌ها گرفته تا تغییرات شخصیت‌ها در طول داستان و حتی آهنگ تیتراژ ابتدای سریال که در ابتدا مضمونی آرمان‌خواهانه و در جهت بهبود جامعه بشری دارد، ولی از یک جایی به بعد تغییر می‌کند و با سبک موسیقی شیطان پرستان این مساله را یادآور می‌شود که هیچ راه نجاتی از جاه‌طلبی و قدرت‌خواهی بشر نیست. این نگاه سیاه و بدبینانه به ماهیت انسانی، در سراسر انیمیشن دفتر مرگ وجود دارد و به مخاطب خود القا می‌کند که در این دنیا تنها یک قدرت واقعی وجود دارد و آن، انسان و امیالش است که گاه در ظاهر پیروز میدان می‌شود ولی درواقع زندگی پوچ و بی‌ارزشی دارد. به خاطر همین هم بیراه نیست اگر بگوییم این انیمیشن یکی از جدی ترین ساخته‌های ژاپنی برای تبلیغ شیطان پرستی و نهیلیسم است. انیمیشن دفتر مرگ بدون شک یکی از قوی ترین و معروف ترین انیمیشن‌های سریالی ژاپنی است که به‌خاطر موفقیتش، تا کنون فیلم‌های دیگری با الهام از آن، ساخته شده است. از جمله این فیلم‌ها اقتباس شبکه آمریکایی نت‌فلیکس از این انیمیشن است که در سال ۲۰۱۷ فیلمی با همان نام دفتر مرگ را براساس این انیمیشن با بودجه هنگفت ۴۰ میلیون دلاری ساخت اما این فیلم با واکنش بسیار منفی کاربرانش مواجه شد، مخاطبان و طرفداران انیمیشن ژاپنی نسخه سینمایی نت‌فلیکس ا ناقص و بسیار ضعیف و سردرگم دانستند و منتقدان هم از این فیلم استقبالی نکردند.

خدمتکار سیاه

خدمتکار سیاه یا (Kuroshitsuji) یا (BLACK BUTLER) نام یک مجموعه مانگا ژاپنی به نویسندگی و طراحی «ایانا تویوسو» است. از این مانگا از سال ۲۰۰۸ تا کنون انیمیشن سریالی با همین نام و به کارگردانی «شینوها را توشیا» در سه فصل ساخته شده است. داستان انیمیشن خدمتکار سیاه درمورد پسر نوجوانی به نام «شیل فانتوم‌هایو» است که در خانواده اشرافی در انگلستان به دنیا آمده است. در شب تولد شیل، آتش سوزی عظیمی رخ داده و کل عمارت

فرهنگ

کدام ماوراء الطبیعه در انیمیشن های ژاپنی دیده می شود؟

غلبه پلیدی بر نیکی، پیام انیمیشن‌های ژاپنی‌روز



زاوصفت فروخته‌اند و تحت امر آنها قرار گرفته‌اند و همه در نهایت نابود می‌شوند. ولی مساله درمورد شیل متفاوت است چرا که شیل از خانواده‌ای قدرتمند و ثروتمند است و به خاطر همین هم بر خلاف بقیه شخصیت‌ها که از اقشار ضعیف جامعه هستند، جایگاه متفاوتی دارد و نه تنها نابود نمی‌شود که به موجودی اهریمنی و ازلی تبدیل می‌شود به‌خاطر همین هم در انتهای فصل دوم، شیل به‌جای اینکه روحش را طبق قرار به سباستین تقدیم کند، درجاش بالاتر می‌رود و تبدیل به یک شیطان واقعی و ابدی می‌شود که مستقیماً دستورات شیطان را اجرا می‌کند.

انیمیشن خدمتکار شیطان، علاوه بر موسیقی عالی و طراحی قابل قبول، تیم نویسندگی بسیار قدرتمندی هم دارد و بر عکس دیگر انیمیشن‌های سریالی ژاپنی که معمولاً بعد از فصل اول یادوم افت می‌کنند، این انیمیشن با قدرت تمام همچنان در جذب مخاطب نوجوان و جوان پیشتان است و با توجه به تم جنایی‌ای که دارد، در هر فصل در کنار پیگیری یک موضوع خاص، همیشه خرد جنایتانی هم برای پیشبرد داستانش در کنار داستان اصلی وجود دارد که به اسرارآمیز بودن ماجرا کمک می‌کند.

خدمتکار سیاه با توجه به موضوع قدیمی‌ای که دارد بر رویکردی جدید سعی دارد پیام خود را به مخاطبانش برساند و بعد از پخش سه فصل، تقریباً مخاطبان متوجه شده‌اند که این داستان فعلاً قرار نیست به پایان برسد و ماموریت این اشراف‌زاده انگلیسی و خادم شیطانی‌اش که به طرز اغراق آمیزی همیشه پیروز میدان هستند، برای فصل‌های بعدی هم تمدید شده است.

توکيو غول

توکيو غول یا (Tōkyō Gūru) یا (Tokyo Ghoul) نام یک مجموعه مانگا-فانتزی تاریک ژاپنی به نویسندگی «سوئی ایشیدا» است. از این مانگا در سال ۲۰۱۴، انیمیشنی سریالی به کارگردانی «شونهی موریتا» شروع به پخش شد که بعد از دو فصل با عوض شدن کارگردانش همچنان پخشش ادامه دارد.

داستان انیمیشن توکیو غول از جایی شروع می‌شود که شهر توکیو پر از موجوداتی ترسناک به نام غول‌ها شده است که برای زنده ماندن باید گوشت انسان‌ها را بخورند. به خاطر وجود این موجودات، ترس زندگی انسان‌ها فرا گرفته و شهر پر شده از این موجودات مخوف و ماموران مبارزه با غول‌ها.

این میان «کن کانکی» پسر ۱۸ ساله‌ای است که دانشجوی کالج و اهل کتاب است و بدون هم‌پایانند پدرانش که به ملکه و خاندان سلطنتی خدمت می‌کردند، هم‌پاشایین در ارتباط است و هم به ملکه انگلستان ارادت خاص دارد تا جایی که هر جنایتی را برای شادی ملکه مجاز می‌داند و حتی لقب خود را سگ وفادار و ملکه گذاشته است!

با توجه به جایگاه خاندان سلطنتی و ملکه انگلستان در فرقه‌ای مانند فراماسونری، خیلی جالب است که این انیمیشن بدون جا گذاشتن حتی یک المان، اینه تمام‌نمای تبلیغ چنین فرقه‌ای است و جالب‌تر آنکه شیل، به‌عنوان عضوی بلندپایه و اشراف‌زاده از این فرقه که با شیایطین در ارتباط است، ادعا دارد می‌خواهد عدالت اجتماعی و مساوات بین فقیر و غنی را که آرزوی ملکه انگلستان است، محقق کند! این ادعا با توجه به اینکه پادشاهان و ملکه‌های انگلستان، قرن‌هاست ثروت خود را از طریق استثمار دیگر کشورها و با ستم و ظلم بسیار به دست آورده‌اند و بیشترین ارزش را برای خانواده‌های سلطنتی و سرمایه‌دارها قائلند، بیشتر شبیه کمدی است تا آرمانی واقعی.

در انیمیشن خدمتکار سیاه، مخاطب در هر سه فصل با شخصیت‌های جدیدی مواجه می‌شود که به‌نوعی به خاطر پلیدی و بدی‌های این دنیا، روح خود را به شیایطین یا انسان‌های

در انیمیشن توکیو غول، از همان ابتدا مخاطب با موجودات شریری در هیبت انسان مواجه می‌شود که به یکی از تنفرآورترین اعمال، یعنی آدمخواری مشغولند. با توجه به اینکه آدمخواری در اصل یکی از رسوم شیطانی است و معمولاً بین شیطان پرستان و اقوام کافر وجود دارد، مخاطب این انیمیشن با دیدن این به اصطلاح غول‌های آدمخوار، که در هیبت انسان‌ها درآمده‌اند و حتی گاهی عواطف و احساسات‌شان از انسان‌ها بیشتر است- گیج می‌شود! در این انیمیشن قهرمان اصلی سسری است خجالتی، مهربان و بسیار آرام که به خاطر بد اقبالی و بدون اینکه بخواهد، به چنین موجوداتی تبدیل می‌شود، اما تمام سعی خود را می‌کند که راه و روش این غول‌های آدم‌خوار و آدمکش را در پیش نگیرد ولی در نهایت او هم تسلیم سرزنشش می‌شود و در انتهای فصل اول، مخاطب می‌بیند که کانکی به دست غول بی‌رحمی اسیر می‌شود و به خاطر همین هم بعد از تحمل شکنجه‌های بی‌رحمانه بسیار، در اتاقی با زمینه شطرنجی، تغییر ماهیت می‌دهد و به اصطلاح از آن پسر خجالتی و بی‌دست و پا تبدیل به یک غول تمام‌عیار می‌شود که موجودیت جدید خود را پذیرفته و آماده شروع یک زندگی مخوف و تازه است.

در این انیمیشن هم مانند دیگر انیمیشن‌های هم‌قطار خود، نشانه‌های شیطان پرستی و عادی‌سازی و توجیه اعمال شیطانی به وضوح دیده می‌شود و قهرمان اصلی به اعماق سیاهی و تباهی سقوط می‌کند و به بهانه محافظت از دوستان و کسانی که برایش ارزشمند هستند به انواع جنایت‌ها دست می‌زند و مهر تاییدی بر تفکر ضد انلیه یعنی غلبه پلیدی بر نیکی در ذات انسان می‌زند و با توجه به اینکه قهرمان اصلی داستان تبدیل به یک غول واقعی شده و از گوشت انسان‌های دیگر تغذیه می‌کند، هیچ راه نجاتی برایش در زندگی انسانی وجود ندارد و باید تا ته ماجرا برود...

در توکیو غول دو فصل اول داستان از انسجام و شخصیت‌پردازی قدرتمندی برخوردار است و به خاطر همین هم دو فصل اول بسیار پر مخاطب بودند اما با عوض شدن تیم کارگردانی و خط داستانی، مخاطبان این انیمیشن پس از دو فصل به شدت افت کرد.